

استان قزوین

قزوین گردشگاهی برای تمام فصول



استان قزوین از استان‌های شمال غربی ایران است.





منطقه قزوین در سال ۱۳۷۵ از استان تهران جدا شد و به همراه تاکستان از استان زنجان تشکیل استان تازه‌ای به نام استان قزوین را داد. مساحت این استان حدود ۱۵۸،۲۰۰ کیلومتر است و با استان‌های مازندران، گیلان، همدان، زنجان، مرکزی و تهران همسایه است. این استان، بر پایه واپسین تقسیمات کشوری، دارای ۵ شهرستان، ۱۹ بخش، ۲۳ شهر، ۴۴ دهستان و ۱۵۴۷ روستا است. شهرستان‌های قزوین، تاکستان، بوئين زهرا، آبیک و الوند پنج شهرستان موجود در این استانند. این استان از استان‌های لرزه‌خیز ایران است. جمعیت استان قزوین طبق آمار سال ۱۳۸۴ برابر ۱،۳ میلیون نفر است که از این تعداد ۸۵۰،۰۰۰ نفر ساکن شهر قزوین هستند.

استان قزوین یکی از مناطق عمده تولید انگور و کشمش در ایران است.

تاریخچه شهرستان قزوین

بنا بر روایات تاریخی سنگ بنای شهر تاریخی قزوین به شاهپور اول ساسانی بر می‌گردد. شاهپور این شهر را برای جلوگیری از حمله دیالمه بنا نمود و در آن دژ و استحکامات به وجود آورد و سپاهیان خود را در آنها استقرار داد. به مرور زمان، پایگاه نظامی شاهپور توسعه پیدا کرد و هسته اصلی شهر قزوین به وجود آمد. موقعیت این شهر همواره به عنوان گذرگاه مهم طبرستان و دریای خزر اهمیت فراوان داشته و دارد. بعد از حمله اعراب به ایران و آغاز دوره فتوحات اسلامی، براء بن عازب که از سرداران بنام عرب بود در سال ۲۴ هجری قمری قزوین را محاصره کرد. مردم قزوین همانند بسیاری از نقاط دیگر اسلام را پذیرفتند و از پرداخت جریمه معاف شدند. قزوین که در دوره ساسانیان پایگاه مستحکمی برای جلوگیری از هجوم مهاجمان دیلمی بود، در دوره اسلامی نیز به پایگاه و مبداء عملیات بعدی لشکریان عرب تبدیل شد. در دوره‌های بعد، هنگامی که هارون الرشید خلیفه عباسی در راه خراسان از قزوین می‌گذشت پس از آگاهی از گرفتاری‌های مردم قزوین در مقابل هجوم‌های دیالمه و مقاومت شجاعانه آنها دستور داد سعد بن العاص، والی عراقین و قزوین، حصار به دور مدینه موسی و مبارکیه بکشد و مسجدی نیز در آن بسازد، ولی به علت مرگ هارون الرشید، حصار ناتمام ماند، تا اینکه

یکی از فرماندهان ترک دستگاه عباسی به نام موسی ابن بنا که مامور جنگ با حسین بن زید علوی شده بود، در سال ۲۵۶ هجری قمری بنای آن را به پایان رساند.

دروازه‌های قزوین

شهر قزوین در گذشته هشت دروازه داشت که به نامهای دروازه رشت، باغ‌شاه، درب کوشک، تبریز، تهران، شیخ‌آباد، امامزاده حسین و خندقبار معروف بودند. امروزه از آن میان، تنها دو دروازه درب کوشک و تهران باقی مانده‌اند. دروازه درب کوشک که در انتهای خیابان آزادی قرار دارد، در دوره قاجاریه ساخته شده و در سال ۱۲۹۶ هجری قمری در دوره حکومت عضدالدوله، کاشی کاری شده است. دروازه قدیم تهران که در خیابان تهران قدیم قرار دارد، از بناهای دوره قاجاریه است که در سال ۱۳۴۷ شمسی مرمت و کاشی کاری شده است.

مراکز تاریخی و باستانی

سردر عالی قاپو

این بنا در واقع یکی از بناهای مهم دوره صفویه در قزوین حیاط نادری با عمارت‌ها و باغ‌های بسیار زیبا بوده است. این مجموعه هفت در داشته است که یکی از آنها را عالی‌قاپو می‌نامیدند. از درهای آن جز در عالی‌قاپو، اثری باقی نمانده است. این بنا در گاه بلندی دارد که به خیابان شهدای قزوین مشرف است. این در به هشتی بزرگی متصل است و در داخل، در دو طرف آن، دو اتاق وجود دارد که جایگاه دربانان بوده است. راهرو طبقه دوم بنا نیز از همین اتاق‌ها می‌گذشته است. در سمت غرب این در، سه اتاق طولانی پهلوی هم واقع شده که احتمالاً جایگاه نگهبانان و محافظان بوده است. یکی از این اتاق‌ها در دوره قاجار به قرائتخانه و دیگری به چاپخانه تبدیل شد. اکنون تمام اتاق‌ها متعلق به چاپخانه است. در طرف شرقی بنا، بعدها، مدرسه‌ای ساخته شد. این قسمت نیز در گذشته، مانند طرف غربی، جایگاه قراولان و نگهبانان بوده است. جلو در عالی‌قاپو جلوخانی است که در دو طرف آن، دو سکوی پهن با سنگ ساخته شده است. ازاره‌های سردر با کاشی پوشیده شده‌اند و بقیه سردر با گچ پوشیده شده است. در قسمت میانی سردر و بالای در، کتیبه‌ای به خط ثلث جلی به قلم علی‌رضا عباسی - نقاش معروف - در کاشی معرق نوشته شده است. بالای کتیبه، در وسط سردر، پنجره مشبک بزرگی از کاشی معرق دورو قرار دارد که نظیر آن را در دیوار شمالی نیز کار گذاشته‌اند. یکی از پنجره‌ها به خیابان شهدا و دیگری به حیاط شهربانی کنونی گشوده می‌شود. امروزه سردر عالی‌قاپو و حیاط و ساختمان‌های شمالی آن، به محل اداره شهربانی قزوین تبدیل شده است.

عمارت چهل ستون

عمارت تاریخی چهل ستون که یادگاری از دوران صفویه است، در وسط یک باغ قرار گرفته است. این بنا در دو طبقه ساخته شده و تالار بزرگی دارد و در روزگار رونق، دارای درهای خاتم‌کاری، راهروهایی با تزئینات نقاشی، کاشی‌کاری و طلاکاری جالب بوده است که به مرور زمان، این تزئینات از بین رفته و یا دیگر آن زیبایی خود را ندارد.

برج باراجین

در فاصله حدود دوازده کیلومتری از شمال شهر قزوین، محل خوش منظره و خوش آب و هوایی قرار گرفته است که به علت ارتفاع زیاد، هوای آن از هوای قزوین خنک‌تر است. در این محل، بر روی ارتفاعات جانب چپ، رودخانه عریضی به نام ارزک جریان دارد. برج بلندی نیز از دور بر فراز این بلندی خودنمایی می‌کند؛ چنان که از مسافتی بسیار دور از میان دشت‌ها و صحراهای اطراف قزوین می‌توان آن را دید. بلندی مزبور بر تمام محیط اطراف مسلط است و از فراز آن شهر قزوین براحتی قابل مشاهده می‌باشد.

برج سنگی با کتیبه کوفی

برج سنگی بر روی تپه‌ای در جانب شمال شرقی قلعه ساسان از دهستان طارم قرار گرفته است، برج سنگی ویرانه با سنگ لاشه و ملاط گچ ساخته شده است. با گذشت زمان، این برج آسیب‌های فراوانی دیده است. در سال شصت و دو میلادی این برج توسط یکی از باستان‌شناسان خارجی به نام «ویلی» مورد مطالعه قرار گرفته است. در این بررسی، کتیبه‌ای به خط کوفی تزئینی در قسمت زیر سقف آن مشاهده شده که فقط دو کلمه آن باقی مانده و بقیه آن فرو ریخته است. خط کوفی این کتیبه، از نظر زیبایی و ارزش‌های هنری، از زیباترین نمونه‌های خط کوفی تزئینی به حساب می‌آید.

گنبد‌های تاریخی یله گنبد

گنبد‌های تاریخی یله گنبد در سی و هفت کیلومتری جاده قزوین رشت و برفراز یک رشته بلندی قرار گرفته است. بنایی مدور است که به جز گنبد آن، به تمامی از سنگ لاشه و با دقتی در خور ستایش ساخته شده است. بر روی نمای خارجی بنا، پنج برجستگی به صورت ستون‌های مدور تعبیه کرده‌اند. ورودی بنا، در شرق آن و در میان یک جلوخان مستطیل شکل جای دارد. پوشش زیرین بنا به صورت یک گنبد آجری مخروطی شکل در میان دیوارهای جانبی برج دیده می‌شود. محیط پایه برج کمی بیشتر از محیط قسمت بالای آن است. قطر دیوار برج نسبتاً زیاد و نزدیک به یک متر است. از وضع کلی بنا چنین برمی‌آید که گنبد آجری، بعدها، بر روی بدنه سنگی ساخته شده است. در میان اهالی چنین رواج دارد که این بنا، آرامگاه پهلوانی بوده است. در خصوص تاریخ ساخت بنا و شخصیت مدفون در آن، اطلاعات مشخصی در دست نمی‌باشد.

آب انبار حاج کاظم

آبانبار حاج کاظم یکی از زیباترین و بزرگترین آب انبارهای قزوین است و در انتهای خیابان تبریز شهر قزوین قرار گرفته است. این آب انبار سی و هفت پله ساخته شده از سنگ‌های تراشیده و دو شیر آب دارد. پوشش سقف آن مسطح بوده و در گذشته چهار هواکش داشته که امروزه تنها یکی از آنها باقی مانده است. هواکش آب انبار با آجر ساخته شده است و دارای تزئینات آجری و کاشی در نما می‌باشد. سر در آب انبار در نهایت عظمت و با کمال ظرافت و زیبایی ساخته شده و دارای تزئینات آجری و کاشی است. واژه «علی» به صورت خط بنایی در دو طرف راه‌پله، در نمای آجری، اجرا شده است. بانی آب انبار، مرحوم «حاج کاظم کوزه‌گر» است که به دستیاری حاجی اسماعیل نامی به سال ۱۲۵۶ هجری قمری آب انبار را بنا کرده‌اند. تاریخ و بانی بنا، در کتیبه‌ای به شعر در سنگ مرمر و به خط نستعلیق به زیبایی هرچه تمامتر حک شده است.

کافر گنبد

این گنبد که به کافر گنبد معروف است در روستای نیاق، در ۱۶ کیلومتری قزوین و در نزدیکی امامزاده سلطان ویس قرار دارد. این بنا، بنایی با نمای هشت ضلعی است که طول هر ضلع آن از خارج ۲/۸۰ متر است. در زاویه هر دو ضلع، برجستگی‌ای وجود دارد که به صورت دور قاب هر ضلع درآمده است. قسمت ازاره بنا از سنگ و بقیه آن با آجر ساخته شده است. نمای خارجی بنا هیچ‌گونه تزئینی ندارد و تنها در قسمت بالا، یک رج آجر کاری که در امتداد جرزهای نبش با برجستگی کم‌تری بالا رفته، شکل یک قوس و طاق‌نمای تزئینی را به وجود آورده است. در وسط سه ضلع از هشت ضلع بنا، سه در ورودی تعبیه شده است که در بالای دو در شمالی و غربی، قوسی تیزه‌دار و در اطراف آنها، قاب مستطیل شکلی قرار گرفته است. در شرقی، در حال حاضر، با لاشه سنگ مسدود شده است. در اطراف این در، قاب مستطیل وجود ندارد. در بالای این در- بر روی دیوار- آثار یک سر در هلالی شکل تزئینی مشاهده می‌شود که در حال حاضر، جز طرح قوس آن، که با ملات گچ ساخته شده، چیز دیگری از آن باقی نیست. در حال حاضر، بر بالای بنا، بقایای پوشش گنبد مدوری به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد، گنبد اولیه دو پوسته بوده است و پوشش دوم آن، احتمالاً مخروطی بوده است. در قسمت بالای بنا، در حد فاصل پوشش اول و دوم، گذشته از آخر، در پایه گنبد قدری سنگ‌لاشه نیز به کار گرفته شده است.

آب انبار حکیم

این آب انبار در حاشیه شرقی خیابان شهدا و پشت بازارچه قزوین قرار دارد و بانی آن حاج میرزا حکیم می‌باشد. این آب انبار راه‌پله‌ای با سی و شش پله و کتیبه‌ای به خط سفید دارد که روی کاشی بنفش نوشته شده است. تاریخ بنای آن ۱۲۴۴ هجری قمری است.

آبانبار سردار بزرگ

این آب‌انبار در محله راه‌ری و خیابان راه‌آهن واقع شده است و بنیان آن حسن خان و حسین خان از امیران قاجاریه می‌باشند. این آب‌انبار دارای یک اتاق است که روی آن، از خارج، یک گنبد مخروطی کوچک با پوششی از کاشی فیروزه‌ای (مانند گنبد مسجد سردار) ساخته‌اند. این بنا راه‌پله‌ای با چهل و هشت پله دارد و فاقد روسازی، نماسازی و کتیبه است. ساختمان بنا به سال ۱۲۲۷ هجری قمری صورت گرفته است.

آب‌انبار سردار کوچک

این آب‌انبار روبه‌روی مسجد-مدرسه سردار قرار گرفته است و یکی از آب‌انبارهای مهم قزوین به شمار می‌رود. این آب‌انبار راه‌پله‌ای با سی و هفت پله دارد و چهار شیر در آن کار گذاشته‌اند. انبار آن سقفی مرکب از چهار گنبد و چهار هواکش دارد. راه‌پله‌ها با سنگ، و نمای بنا با آجر و کاشی تزئین یافته است. این آب‌انبار با مسجد-مدرسه سردار، بر روی هم، مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند و هم‌زمان نیز ساخته شده‌اند.

آب‌انبار پنجه‌علی

این آب‌انبار بزرگ و وسیع در محله خیابان قزوین قرار گرفته است و به مسجد و مدرسه پنجه‌علی متصل است. بانی این بنا، حاجی‌رمضان نامی بوده است و بنا، کتیبه منظومی به خط نستعلیق دارد که بر روی سنگ مرمر کنده شده است.

آب‌انبار جنب مسجد جامع کبیر

این آب‌انبار در اواسط خیابان سپه قزوین، روبه‌روی جلوخان و سرکوچه مسجد جامع کبیر و در شمال مسجد جامع کبیر قرار گرفته است. بانی آن علی خان نامی از امیران بزرگ نظامی بوده که در اواخر سده یازدهم آن را بنا کرده است. کتیبه این آب‌انبار به خط نستعلیق و در روی سنگ مرمر کنده شده است. اما در تعمیرات بعدی بنا، سنگ‌های کتیبه آن پس و پیش کار گذاشته شده و برخی از سنگ‌های آن شکسته و از میان رفته است.

آب‌انبار حاجی‌بابا (خطیب)

این آب‌انبار در محله قملاق (ریگ‌زار) پشت بازارچه أمعصوم قرار گرفته است. بانی آن «حاجی بابا شیشه‌گر» بوده است؛ ولی شهرداری قزوین به مناسبت این که این آب‌انبار در نزدیک خانه خاندان خطیب قرار دارد، آن را به نام آب‌انبار خطیب نامگذاری کرده است. کتیبه‌ای حاوی نام بانی بنا در آب‌انبار نصب شده است.

آب‌انبار حاج ملاآقا

این آب‌انبار روبه‌روی مدرسه و مسجد حاج ملاآقای قزوین قرار گرفته است. بانی آن حاجی حسین نامی بوده است. این آب‌انبار کتیبه‌ای به خط نستعلیق دارد که بر روی سنگ مرمر کنده شده است.

آبانبار حاج کریم

این آبانبار در محله درب کوشک قزوین و روبه‌روی حمام آقامجید قرار گرفته است. نام بانی نخستین آن معلوم نیست. «حاجی کریم علاف» در ۱۳۰۶ آن را تعمیر کرده و کتیبه‌ای به خط نستعلیق دارد که بر روی کاشی نوشته شده است.

آبانبار رزگره کوچه

این آبانبار در رزگره کوچه در خیابان امام قزوین قرار دارد. در شرق این آبانبار، مسجدی نیز قرار دارد که غرب آن به تون حمام دو در متصل است. این آبانبار، آب‌انباری متوسط است و بانی آن حاج فتحعلی نامی بوده است که پس از وفاتش، به سال یک‌هزار و دویست و چهل و پنج آن را بنا کرده‌اند. این آبانبار کتیبه‌ای به خط نستعلیق دارد که به رنگ سفید در زمینه بنفش نوشته شده است.

آبانبار شیشه‌گر

این آبانبار در محله درب کوشک قرار دارد و متصل به مسجد شیشه‌گر و مشرف به گورستان متروکی به همین نام است. بانی آن حاجی حسن نامی است و تاریخ بنای آن ۱۲۵۴ هجری قمری می‌باشد. این آبانبار کتیبه‌ای از کاشی بنفش دارد که اشعاری با خط نستعلیق و به رنگ سفید بر آن نوشته شده است.

آب انبار خان

این آبانبار در جنب مدرسه‌ای، به همین نام، در خیابان شاه قرار دارد. بانی آن مرحوم ملاوردیخان از خوانین نامی قزوین است که مدرسه و مسجدی هم در کنار این آبانبار بنا کرده است. این آبگیر را ملاوردیخان در سال ۱۱۷۷ بنا کرده است، ولی چنین به نظر می‌رسد خللی بدان راه یافته است که عمر بانی کفاف نداده تا به مرمت آن بپردازد. پس از هفتاد و چهار سال، یکی از نواده‌های بانی که به نام جد خود موسوم بوده است، به سال ۱۲۵۱ هجری قمری، نواقص این آبانبار را رفع کرده است. این آبانبار کتیبه‌ای از سنگ مرمر دارد که اشعاری به خط نستعلیق بر روی آن کنده شده است.

آب انبار لالو

این آبانبار در خیابان سعدی، متصل به مدرسه حاجی سیدابراهیم تنکابنی، و در روبه‌روی بازارچه آقا و مسجد مرحوم حاجی موسی بزاز قرار گرفته است. بانی آن حاجی محمدنامی بوده و تاریخ پایان بنا ۱۲۲۴ هجری قمری است. قطعه‌ای از سنگ مرمر که به شکل مربع مستطیل است و اشعاری بر روی آن کنده‌کاری شده، در قسمت درگاه آبانبار کار گذاشته شده است.

آرامگاه حمدالله مستوفی

این آرامگاه در شرق شهر قزوین، در محله پنبه ریشه و مشرق میدانگاه، در میان امامزاده علی و امامزاده آمنه خاتون قرار گرفته است و به «گنبد دراز» نیز معروف است. حمدالله مستوفی، جغرافیادان معروف که از خاندان مستوفیان بود، در سال ۶۸۰ هـ.ق در این شهر به دنیا آمد و تا حدود ۷۵۰ هـ.ق زیست. او در ابتدا از طرف خواجه رشیدالدین فضل‌الله به سمت مستوفی زنجان، ابهر و طارم منصوب گشت و پس از قتل خواجه، به دستگاه وزارت غیاث‌الدین محمد راه یافت و مدت‌ها در سلک ملازمان خاندان وی به سر برد و در سال ۷۲۰ هـ.ق منظومه ظفرنامه را سرود. آرامگاه او برجی است که در قرن هشتم هـ.ق ساخته شده است. محوطه کنونی آرامگاه، بیش از ۳۸۰ متر مربع است که اندکی بیش از سی متر آن زیربنای برج است و بقیه جز حیاط آرامگاه است. در ورودی این محوطه، از سمت جنوب غربی است و حصار آرامگاه در سال ۱۳۱۰ هـ.ش به همت مردم علاقه‌مند و به جهت جلوگیری از خرابی بنا، کشیده شده است. نقشه بنا در خارج، مربع است که در بالا به هشت ضلعی و سپس استوانه تبدیل می‌شود. بخش استوانه‌ای بنا، مقرنس کاری شده است. این بنا از آجر ساخته شده است و فاصله آجرها بندکشی شده است و گنبدی مخروطی شکل بر روی آن استوار شده است. این بنا، یکی از ساختمان‌های باشکوه اواخر دوره مغول به شمار می‌آید. در آرامگاه که از چوب ساخته شده است، در غرب آن قرار دارد. خود قبر در سردابی قرار دارد و روی آن، اتاق چهارگوشی ساخته‌اند که در آن از جانب غرب باز می‌شود و کف آن با کف حیاط برابر است.

آرامگاه خلیل بن غازی قزوینی

این آرامگاه در یکی از کوچه‌های میدان محله آخوند قرار دارد و به مولا خلیلا «طیب‌الله تربته» - متوفای سال ۱۰۸۹ هـ.ق - منسوب است. آرامگاه، دری بزرگ و حیاطی نه چندان بزرگ با دیوار آجری دارد. در انتهای جنوبی حیاط، چند مزار دیده می‌شود که یکی آرامگاه مرحوم مولا خلیلا و سه قبر دیگر، از آن فرزندان آن مرحوم به نام‌های سلمان، احمد و ابوذر است. این محوطه سابقاً مدرسه و جایگاه تدریس مرحوم ملا خلیلا بوده است و اکنون بناهای آن از بین رفته است.

آرامگاه رئیس‌المجاهدین

این آرامگاه، در بیرون شهر قزوین و کنار جاده قدیم قزوین - کرج قرار گرفته است. بنای آرامگاه که نقشه مستطیلی دارد، در دو طبقه ساخته شده است و طول آن پانزده و عرض آن تقریباً دوازده و نیم متر است. طبقه زیرین، شامل سرداب و آب‌انبار است که با آجر و سنگ ساخته شده است و راه ورود به آن، پلکانی است که در جهت جنوبی بنا و زیر دو پنجره اتاق‌های طبقه اول قرار دارد. طبقه بالا که بخش اصلی بنا و آرامگاه است، نقشه‌ای خاص دارد. اتاق چهارگوش آرامگاه در ابعاد حدود چهار و نیم متر در مرکز بنا قرار دارد. در وسط هر یک از ضلع‌های چهارگانه این اتاق، طاق‌نمایی با قوس نعل اسبی ایجاد شده است که طاق‌نمای شمالی و جنوبی به دو ایوان و طاق‌نمای شرقی و غربی به دو راهرو متصل شده‌اند. در

چهارگوشه آرامگاه، چهار اتاق قرار دارد که با قوس گهواره‌ای پوشیده شده‌اند. اتاق آرامگاه با طرح چهار فیل پوش و کتیبه‌ای در بالا اجرا و تزیین شده است. (کتیبه این بنا در حال حاضر فرو ریخته است). بر روی اتاق آرامگاه، گنبدی آجری جای دارد که روی آن با کاشی‌های رنگی با طرح هندسی تزیین شده است که بیشتر آنها نیز فرو ریخته است.

آرامگاه شیخ احمد غزالی

این آرامگاه که در کوچه امامزاده اسماعیل و نزدیک خیابان پیغمبریه قزوین قرار دارد، به شکل حیاط کوچکی است و آن را امامزاده احمد می‌نامند. ولی عده‌ای از مردم قزوین این آرامگاه را آرامگاه احمد غزالی برادر محمد غزالی می‌دانند که در قزوین زندگی می‌کرده و بین سالهای پانصد و چهار تا پانصد و بیست و هفت ه.ق در گذشته است.

آرامگاه میرابراهیم بن معصوم

این آرامگاه در گورستان عتیق، در سمت جنوبی آرامگاه شاهزاده حسین و خارج از صحن آن قرار دارد. بقعه نقشه مربع دارد و با آجر ساخته شده و اتاق آن نیز آجری است. چند تن از عالمان و بزرگان نیز در این آرامگاه مدفون‌اند. بالای سر در آرامگاه، کتیبه‌ای به خط نستعلیق زیبا از سنگ مرمر کار گذاشته شده است.

آرامگاه پیر سفید (مزار پیر سفید)

آرامگاه پیر سفید که به «مزار پیر سفید» نیز معروف است، در محله پنبه ریس، در میان میدانگاه و حمام میرزا کریم، قرار دارد. نام صاحب آرامگاه معلوم نیست و به احتمال قوی، آرامگاه به یکی از بزرگان صوفیه تعلق دارد و شاید، آرامگاه «شیخ جمال‌الدین رشیق‌القطنی» باشد که یکی از دوازده تن مریدان «شیخ نجم‌الدین کبری» و ساکن محله پنبه ریس بوده است که در سال ۶۵۰ ه.ق در گذشته است. آرامگاه مزبور، چهار تاقی سقف‌داری است که با آجر ساخته شده است و در وسط آن قبری با معجر چوبی قرار دارد. ظاهراً سنگی هم بر روی مزار بوده است که برداشته شده و محل آن گود مانده است. در پایین پای قبر، قطعه سنگی به شکل قلب هست که در زمین فرو رفته است و در حاشیه آن نوشته‌ای به خط نسخ دیده می‌شود که با گذشت زمان، فرسوده شده است و خوانده نمی‌شود.

قلعه الموت

قلعه نوبزر شاه

این قلعه در شرق «شترخان» و در شمال شرقی روستای «گرم رود» بر فراز کوه بلندی که دیواره‌های صخره‌ای آن به طور عمودی به سوی دره‌های اطراف پایین می‌رود و بلندترین نقطه آن دو هزار پا ارتفاع دارد، واقع شده است. از دیوار قلعه هنوز قسمتی برپا است و در بالای یکی از دو دیوار آن، روزنی قرار دارد. از بناهای آن چند اتاق و ساختمان بزرگ هنوز برپا است.

این قلعه با توجه به وضع طبیعی آن، از جمله قلعه‌های مستحکم و تسخیرناپذیر منطقه به شمار می‌رفته است. در این ناحیه، ویرانه برج‌ها و قلعه‌های دیگری چون ایلان، سفیددر و قلعه‌ای در نزدیکی روستای فرندج بر فراز کوه مشاهده می‌شود. اغلب این ویرانه‌ها، از جمله آثار قلعه ایلان، برج‌های مراقبت در طول راه‌هایی بوده‌اند که به قلعه الموت منتهی می‌شده‌اند. اسماعیلیان برای آن که بر تمامی منطقه مسلط باشند و بتوانند از آن مراقبت نمایند، در طول راه‌های کوهستانی که از ارتفاعاتی چون سیلان می‌گذشت و به سوی شمال و کنار دریا می‌رفت، قرارگاه‌ها و برج‌های مراقبت برپا می‌کرده‌اند که ویرانه‌های آنها در حال حاضر به طور پراکنده به چشم می‌خورد.

قلعه لمبسر

در ناحیه رودبار نیز بیش از هر چیز ویرانه‌های مربوط به قلعه‌های اسماعیلیه که بر فراز ستیخ کوهساران خودنمایی می‌کنند، نمایان است. دژ لمبسر یکی از عظیم‌ترین و وسیع‌ترین دژهای منطقه است که دو رود «نینه رود» و «لمه‌در» در دو سوی آن جریان دارند. قلعه لمبسر از سه جهت مشرق، جنوب و شمال به پرتگاه‌های مخوفی منتهی می‌گردد. بخشی از سمت شرقی آن، یعنی سمت رودخانه نینه‌رود، شیب کمتری دارد. به همین جهت، دیواری عظیم و قطور با سنگ‌های بسیار بزرگ ساخته‌اند که تا امروز قسمتی از آن پابرجاست و در حدود بیست متر طول و ده متر ارتفاع دارد. برج‌های دفاعی این منطقه تسلط خود را بر دره‌های اطراف و جلگه‌های جنوبی و قطعه زمین شیب‌دار قلعه به نمایش گذاشته‌اند. برج‌ها و خرابه‌های دیوار اطراف قلعه و پرتگاه‌های خطرناک پای دیوارها، چشم بینندگان را خیره کرده و آنان را به تمجید وامی‌دارند. باروی غربی و برج‌های آن نسبت به باروی شرقی استحکام زیادی ندارند؛ زیرا وضع طبیعی آنها، یعنی پرتگاه‌های عمیق این سمت، بهترین بارو و حصار دفاعی است. در این طرف بر سر هر تیزی و پیش آمدگی کوه، برجی کوچک ساخته‌اند، که فاصله آنها از هم‌دیگر در حدود صد متر است. باروی جنوبی و شرقی قلعه هنوز باقی است.

دیوار شرقی، دیواری بسیار مستحکم و دو پوسته است و بین دو پوسته آن شکافی پیدا شده که ممکن است پس از مدتی موجب فرو ریختن آن شود. دروازه جنوبی که کف آن در حدود یکصدوپنجاه متر پایین‌تر از دروازه شمالی است، سالم‌تر باقی مانده است. این دروازه شامل دو در، در پشت سر یکدیگر است و اختلاف سطح این دو در حدود شش متر است. در اول رو به مغرب باز می‌شود و در دو طرف آن، برج‌های بلندی بوده که آنچه امروزه از برج سمت چپ باقی مانده است، ارتفاعی بیش از شش متر دارد. پس از این در، راه قلعه پیچ می‌خورد و به در دوم که اتاق نگهبانان در کنار آن است، منتهی می‌شود. دیوار و تاق این دو درگاه از سنگ تراشیده مکعب شکل ساخته شده است. در زمین شیب‌دار و محصور دژ، خرابه‌های بسیاری دیده می‌شود. بعضی از این ویرانه‌ها از خشت و گل‌اند و از ویرانی بناهای درون قلعه به تازگی خبر می‌دهند. ساختمان مهم دژ

لمبسر درست در زیردست دروازه شمالی جای داشته‌اند و در فضایی به طول سی و پنج متر و عرض بیست و پنج متر بنا شده بوده‌اند. در زاویه جنوب شرقی این فضا، برجی نیز بنا شده است. ساختمان‌های قسمت جنوبی این فضا سالم‌تر باقی مانده‌اند. در این قسمت دوازده اتاق باریک وجود دارد که رو به مشرق ساخته شده‌اند. در عرض اتاق‌ها درهایی کار گذاشته شده‌اند که به راهروها باز می‌شده‌اند. هلال شکسته تاق درگاه‌ها که از سنگ تراشیده و ساخته شده‌اند، هنوز باقی است. هر اتاق پنج متر و هفتاد سانتی متر طول و یک متر و نود سانتیمتر عرض و پنجره‌هایی کوچک دارد. دیوارهای اتاق‌ها یک متر و بیست سانتیمتر قطر دارند و از قطعات عظیم سنگ‌های تراشیده ساخته شده‌اند. کف اصلی قلعه با روزهایی که قلعه و بناهای آن برپا بوده‌اند، فرقی نکرده است؛ زیرا مجرای فاضلاب قلعه هنوز باقی است و با کف قلعه در یک سطح است.

غیر از بناهایی که شرح داده شدند، اتاق‌های دیگری که دارای اتاق‌های ضربی هستند، در داخل باروی قلعه دیده می‌شوند که نیمی از آنها در زیر سنگ و خاک قرار دارد. قسمت جالب توجه دژ، آب روی آن است که تا امروز هم مسیر آن را میتوان تشخیص داد. این آبرو که از طرف شمال وارد دژ می‌شود، به آب‌انبارهای مکعب مستطیل شکلی به طول پنج متر و هشتاد سانتیمتر و عرض یک متر و نود سانتیمتر و عمق یک متر و نود سانتیمتر منتهی می‌شود. این آب‌انبارها در دل سنگ کنده شده‌اند. سه آب‌انبار دیگر مانند اینها در طرف شمال و مشرق و در خارج از دیوارهای دژ دیده می‌شود. در آخرین قسمت محوطه شیب‌دار دژ، در یک پارچه سنگ که از شرق به غرب کشیده شده است، چند آب‌انبار نزدیک یکدیگر در دل سنگ کنده شده‌اند و آب‌انبارها تنها مکان ذخیره آب دژ لمبسر نبوده‌اند؛ زیرا در پایین دیوار شرقی دژ، جایی که آب‌انبارهای خارج قلعه در سنگ کنده شده‌اند، فضای سرپوشیده‌ای در ارتفاع یکصد و نود متری وجود دارد که با پله‌هایی ناهموار به لب رودخانه منتهی می‌شود. پهنای این فضای سرپوشیده نود و پنج سانتیمتر و قطر هلال تاق آن کمی بیش از سی سانتیمتر است. این فضای سرپوشیده فعلاً از خاک و سنگ انباشته شده است. قلعه لمبسر یکی از شگفت‌انگیزترین قلعه‌های ایران است و قدمت آن به دوران پیش از اسلام می‌رسد.

قلعه سمیران

این قلعه بر بالای یک تپه سنگی در دهستان طارم قرار دارد و دسترسی به آن جز از سمت شمال، بسیار دشوار است. سفید رود از جانب جنوبی این قلعه می‌گذرد و آن سوی رود، رشته ارتفاعات بلند سنگی، سر به آسمان کشیده‌اند. بنای اصلی قلعه در بالای کوه قرار دارد و بخشی از شیب آن را که به طرف جنوب می‌باشد، دربرمی‌گیرد. در حال حاضر از دیوارهای قلعه، گذشته از دیوار اصلی در بالا، قسمتی نیز در دامنه شمالی پابرجا است.

این بخش از دیوار که بر روی یک رگه سنگی استوار شده است، به این خاطر به وجود آمده تا در مسیر دسترسی به قلعه، از این سو که راحت‌تر از جانب‌های دیگر است، مانعی به وجود آمده باشد و امکان نفوذ به قلعه را سد ساخته باشند. باید دانست که در دوران آبادانی این قلعه، چنان که ناصر خسرو نقل نموده، قلعه مزبور دارای سه دیوار تودرتو بوده است. بخش اصلی قلعه دارای طرح کاملاً منظم نیست؛ زیرا دیوار قلعه به تبعیت از صخره‌های کوه و پیش آمدگی و پس‌رفتگی آن به وجود آمده است. با این حال، طرح کلی آن نزدیک به شکل مستطیل است. در حال حاضر، سالم‌ترین بخش قلعه، دیوار شمالی آن است که از سه قسمت تشکیل شده است.

قسمت اول، سمت چپ و جانب شرقی دیوار است که به صورت دیوار بلندی محصور میان دو برج مدور سالم خودنمایی می‌کند. برج‌ها و دیوار با سنگ‌های لاشه و ملاط گچ ساخته شده‌اند و ارتفاع آنها به هشت متر می‌رسد. در جریان بنای دیوار و برج‌ها، برای جلوگیری از فرو ریختن آنها و هم این که برپا داشتن دیوار و برج‌ها به صورت منظم و مرتب صورت پذیرد، در فاصله‌های یکمتری یک کلاف چوبی در تنه بنا به کار برده‌اند که از دور به صورت یک رج سنگ دیده می‌شود. در بنای دیوار قلعه، گاه به گاه، آجر نیز به کار رفته و این بیشتر مربوط به قسمت‌های بالای دیوار است که به احتمالی، مربوط به تعمیرات بعدی بناست. برج‌های دوگانه که در قسمت بالا جای گرفته‌اند، دارای پنجره‌های بلند مستطیل شکلی با قوس تیزه‌دار هستند و بیشتر برای نگهبانی پایین قلعه مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. ساختمان قسمت سمت راست یا غربی دیوار قلعه با دیوار جانب شرقی بسیار تفاوت دارد. در این قسمت از وجود برج‌های مدور خبری نیست، و تنها دیواری صاف وجود دارد که ساختمان‌های این گوشه قلعه را دربر گرفته است. بنای این قسمت از دیوار از نظر موقعیت حائز اهمیت است؛ زیرا که بر فراز یک صخره کاملاً عمودی برپا گردیده که سفیدرود از پای آن می‌گذرد و موقعیت آن، چنان است که به هیچ‌وجه امکان تسلط بر این قلعه از این سو میسر نیست. با توصیفی که تاریخنگاران قدیم از این قلعه نموده‌اند، می‌توان گفت که این قلعه هم چون بسیاری از دژهای کوهستانی منطقه، تنها کارکرد دفاعی و نظامی نداشته، بلکه منظور اصلی از بنای آن، سکونت بوده است. بر روی زمین‌های اطراف قلعه تا مسافتی بسیار، قطعه‌های فراوان سفال پراکنده است. سفالینه‌های مزبور همگی مربوط به دوره‌های پس از اسلام هستند.

قلعه سنگرود

در شمال روستای زرگرد که در ناحیه کوهستانی شمال قزوین قرار دارد و از دهات کوهپایه به شمار می‌رود، بر فراز قله کوهی آثاری از بناهای ویرانه سنگی به چشم می‌خورد که احتمالاً یک قرارگاه و یا یک قلعه نظامی بوده است. در پای کوه،

رودخانه ای به نام سنگرود در بستر دره پلنگدره جاری است. بر روی تپه مرتفع کنار این دره، آثار شبیه به چهار تاقی‌های دوره ساسانی دیده می‌شود.

قلعه شیرکوه

بر فراز کوه بیدلان که بر الموت رود و طالقان رود مشرف است، بقایای قلعه ای مشاهده می‌شود که از دژهای اسماعیلی است و برای حفاظت دره الموت مورد استفاده قرار می‌گرفته است. بقایای قلعه شیرکوه عبارت است از: هشت آب‌انبار، یک برج و بخشی از دیوار قلعه. همه این بناها در دل سنگ‌های کوه کنده شده‌اند. برای رسیدن به قلعه از راهی بسیار دشوار باید گذشت. قلعه شیرکوه در زمان حمله هلاکو خان مغول از بزرگترین قلعه های اسماعیلیان بوده که به علت استواری آن و بسیاری مردان، لشکر مغول موفق به تسخیر آن نگردید.

قلعه ساسان (آرامگاه بزرگ)

این قلعه در دهستان طارم قرار دارد و بر فراز تپه بلندی ساخته شده که قسمت بالایی آن فاقد پوشش گیاهی است و به صورت سکویی از سنگ سیاه خودنمایی می‌کند. این بنا از سه جهت دارای شیب تند است که تا حدی دسترسی به بنای روی تپه را دشوار می‌سازد. در حال حاضر، آب دریاچه سدی که در نزدیکی آن قرار دارد، تا پای این تپه ادامه یافته و چشم‌انداز زیبایی را پدید آورده است. بنای قلعه ساسان عبارت است از برجی با طرح هشت‌ضلعی که در قسمت پایین آن دور تا دور دیواری به ارتفاع دو متر قرار دارد. طول هر ضلع برج از خارج شش متر و پنجاه سانتی متر است. این بنا که به دلیل دور از دسترس بودن، به طور کامل سالم مانده است، دارای یک پنجره و یک در با سردری بلند و باشکوه است. پنجره برج در جانب شرق و در آن در سمت جنوب قرار دارد. قوس در و پنجره هر دو شبیه قوس‌های مزبور سه دوره یا سه قاب قرار دارد که در عین سادگی، به علت ارتفاع چشم‌گیر قوس‌ها و عمقی که به کمک سه دوره مزبور برای آنها به وجود آمده، به صورت باشکوهی جلوه‌گر شده‌اند. در گذشته، روبه‌روی در بنا پلکان پهنی نیز وجود داشته که در حال حاضر ویران شده است. هر ضلع خارجی بنا به صورت طاق‌نمایی در میان دو ستون مدور قرار دارد که در جهت طولی به دو بخش تقسیم شده است. طرح داخل برج عبارت است از یک هشت‌ضلعی که در وسط هر ضلع آن طاق‌نمایی برپا شده است. در کنج میان دو ضلع و در داخل یکی از ستون‌ها، راه‌پله مارپیچی به عرض هشتاد سانتی‌متر جاسازی شده است که از آن می‌توان به بام بنا رسید. پوشش زیرین بنا، به کمک هشت ترنبه و هشت شکنجی رسمی ده متری برپا شده است. کاربندی مزبور در کنج‌ها به صورت ترنبه‌های کم‌عمق و در حد فاصل آنها، با نقش گشنیز مانند به‌وجود آمده است. به احتمال زیاد، سقف بنای مزبور دارای دو پوشش بوده که پوشش خارجی آن به صورت هرمی شکل و شبیه برج «شبللی» بوده است. از این‌رو می‌توان این بنا

را از نخستین و کهن‌ترین بناها با گنبد دو پوسته به‌شمار آورد. این بنا در دوره‌های بعد از دوره ساسانی و دوره آل بویه ساخته شده است و از این رو حائز اهمیت می‌باشد.

قلعه محمدزمان خان رشوند

این قلعه که در قسمت شمالی قزوین قرار دارد، محل اقامت محمدزمان خان رشوند بوده و او آن را به صورت قلعه‌ای بزرگ ساخته است. این بنا از سنگ و ملاط گچ ساخته شده است و دارای برج‌هایی است که با سنگ‌های بزرگ به وزن چهار صد تا چهارصد و پنجاه کیلوگرم بنا شده است.

بنای قلعه به سه بخش تقسیم می‌شده که عبارتند از: اندرونی، بیرونی و محل زندگی خدمتکاران. در کنار بناهای مزبور، حمام و آسیاب و اصطبل جای گرفته‌اند. تالار بزرگ بیرونی که محل باریابی نمایندگان و بزرگان هفت ناحیه رودبار بوده، هنوز پابرجاست و گچ‌بری‌های جالب آن معرف شکوه و عظمت دیرین آن است. آب‌انبار بزرگی در قلعه وجود دارد که دیواره‌های آن با آجرهای بزرگ ساخته شده است و در حال حاضر نیز از آن استفاده می‌شود. بنای مزبور با وجود آن که به شدت آسیب دیده است، با این حال، هم‌اکنون نیز می‌تواند عظمت و شکوه دوران آبادانی خود را در نظر بیننده مجسم سازد.

گرما به صفا

این حمام در حاشیه شرقی و انتهای خیابان مولوی قزوین واقع شده و از دو بخش مردانه و زنانه تشکیل شده است. هنگام احداث خیابان مولوی، قسمتی از حمام و در ورودی آن را خراب کرده و در دیگری برای آن ساخته‌اند. در دو طرف در، نقش دو سرباز در سنگ مرمر کنده‌کاری شده است. تاریخ ساخت بنا، برابر کتیبه‌ای که به خط نستعلیق و به شعر، در بالای در ورودی نوشته شده است ۱۲۵۹ هجری قمری و بانی آن «حاجی حسن بن حاجی عبدالله تبریزی» است. در اطراف حوض سربینه حمام که با سنگ‌های مرمر نفیس فرش شده است، چهار سنگ آب به شکل کاسه و کشکول از سنگ مرمر بر پشت تندیس چهارشیر، که آنها نیز از مرمر تراشیده شده‌اند، نصب شده است. میان سنگ آب‌ها یک صندلی سنگی قرار داده شده است. پوشش گنبدی شکل سربینه بر روی هشت ستون سنگی بسیار زیبا استوار شده است. سربینه حمام با راهرویی به گرمخانه پیوند می‌یابد. گرمخانه نیز دارای تاقی گنبدی شکل است که بر ستون‌های سنگی استوار شده است. کف این قسمت نیز از سنگ مرمر است. به‌طور کلی تمام سربینه، خلوت‌ها، صحن، ازاره‌های داخل حمام، حوض‌ها، سنگ‌ها و چاله حوض از سنگ مرمر صیقلی نفیس ساخته شده است. استخر در قسمت غرب گرما به قرار گرفته است. حمام زنانه کوچک‌تر از حمام مردانه و بدون ستون سنگی است. در آن از کوچه جنب حمام مردانه است. مصالح به کار رفته در آن سنگ، آجر، سنگ مرمر و ملاط ساروج است. گرما به صفا مهم‌ترین گرما به قزوین می‌باشد.

در مسیر جاده‌ای که از قزوین به طرف بوئین‌زهرا می‌رود، پلی قرار دارد که در دوره شاه‌عباس ساخته شده است و فاصله آن تا قزوین سی و هفت کیلومتر است. در حال حاضر، در کنار این پل و به موازات آن، پل فلزی جدید ساخته شده است و عبور و مرور از آن انجام می‌شود. پل شاه‌عباسی دارای سه دهانه است که دو تای آن‌ها بزرگ‌تر و دارای عرضی در حدود هفت و نیم متر است. دهانه‌های سه‌گانه دارای قوس‌های تیزه‌دار می‌باشند. کم‌ترین عرض پایه‌ها که میان دو قوس واقع شده‌اند چهار متر است. پایه‌های پل در خلاف جهت جریان آب دارای دماغه مثلثی شکل می‌باشند که طول هر یک از ضلع‌های مثلث دو متر و هشتاد سانتیمتر است. از کف رودخانه تا ارتفاع یک متر، پایه‌های جانبی قوس میانی با بلوک‌های سنگی و ملاط ساخته شده‌اند تا شدت برخورد امواج با پایه میل را کاهش دهند. عرض پل در حدود چهار متر و هفتاد سانتیمتر و طول آن نزدیک به پنجاه و دومتر متر است. وسط پل از دو جانب آن بلندتر است. برجسته‌ترین قسمت پل، میان دو قوس بزرگ قرار دارد. لبه پل در دو سوی آن دارای دست‌انداز بوده است که در حال حاضر تنها قسمت کمی از آن باقی مانده است. قسمت‌های پایین و پایه پل با سنگ و ملاط آهک و قسمت‌های بالای آن با آجر ساخته شده است.

پل لوشان

این پل بزرگ در جاده قزوین - رشت قرار دارد. این پل را «حاجی محمدهادی تاجر میانجی» که ساکن قزوین بوده، در سال یک هزار و دویست و نه هجری قمری ساخته است. پل لوشان دارای طرح خاصی است. برخلاف بیشتر پل‌ها که دهانه‌های آن‌ها نسبت به محور عرضی میان پل قرینه هستند، با یک شیب منظم بر ارتفاع آن افزوده می‌شود. پل مزبور دارای چهار دهانه است که دو دهانه اول کوچک‌ترند و دهانه سوم از دو دهانه اول بزرگ‌تر است؛ ارتفاع و دهانه چهارم از همه دهانه‌ها بیش‌تر و تیزه قوس آن نیز بلندتر از دهانه سوم است. قوس‌های هر چهار دهانه، قوس جناغی است و تیزه دهانه چهارم از سه دهانه دیگر بلندتر است. در فاصله دو دهانه کوچک و بر روی پایه‌ای که سر قوس‌های دو جانب بر روی آن قرار دارد، غرفه‌ای ساخته شده است. در میان دهانه سوم و دهانه چهارم که بزرگ‌تر هستند، نیز غرفه‌ای ساخته شده است.

سد قدیمی سیدعلی خان

یکی از رودهایی که بخشی از باغ‌های اطراف قزوین را سیراب می‌کند، رودخانه ارنزک است که از نزدیکی روستای میزوج واقع در بیست کیلومتری شمال قزوین سرچشمه می‌گیرد. بر روی این رودخانه در پای گردنه کاماسمار، توسط «سیدعلی خان» (جد خانواده امیرشاهی) سد زده شده است که در حال حاضر کاملاً ویران شده و غیرقابل استفاده است.

سد مزبور با قلوه‌سنگ و سنگ‌های تراش‌خورده و ملاط ماسه و آهک ساخته شده است. طول این سد، در حدود بیست متر و عرض دیواره آن در بالا ده متر و ارتفاع آن نیز ده متر است.

سد قدیمی سپهسالار

در فاصله سه کیلومتری سد سیدعلی‌خان، بند سنگی دیگری نیز وجود دارد که به نام سد سپهسالار معروف است. این بند در سال ۱۳۳۶ هجری قمری به منظور تأمین آب بیشتر برای روستای شریف‌آباد که از املاک محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی بود، توسط وی بنا گردید. این سد نیز به صورت یک دیوار سنگی به کمک سنگ‌های تراشیده به طول پنجاه و ارتفاع دوازده متر بنا شده است. دریاچه‌های سد از لوله‌های آهنی با قطر زیاد ساخته شده‌اند. در حال حاضر، این سد کاملاً ویران شده است.

کاروانسرای محمدآباد خره (خوره)

در مسیر جاده قزوین - بوئین‌زهرا، کاروانسرای از بناهای دوره صفویه قرار دارد که در حال حاضر، در قسمتی از آن پاسگاه ژاندارمری استقرار یافته است. کاروانسرای محمدآباد از جمله بناهای جالبی است که طرح داخل و خارج آن با هم اختلاف کلی دارند. این اختلاف مربوط به نمای ضلع جنوبی خارج کاروانسرا است. نمای اصلی کاروانسرا عبارت است از یک سر در قوس‌دار در وسط که در هر طرف آن سه غرفه قرار دارد. از انتهای بازوهای دوطرف سردر، دیواری به طول ۱۶/۲۰ متر به طرف شمال پیش می‌رود و به دیوار پشت اتاقهای واقع در ضلع جنوبی کاروانسرا منتهی می‌گردد. از محل تقاطع، دیوار پشت اتاق‌ها به طول یازده متر و هشتاد و پنج سانتیمتر تا گوشه‌های جنوب شرقی و جنوب غربی امتداد می‌یابد و با رسیدن به دو برج آجری مدور که در دو کنج قرار دارند، پایان می‌یابد. به این ترتیب، نمای اصلی کاروانسرا دارای یک طرح پنج ضلعی و دو برج مدور می‌باشد. در گاه کاروانسرا در جلو به صورت یک جلوخان مستطیل شکل است. پس از در بزرگ، هشتی وسیعی قرار دارد. راه‌پله‌ای که از راه آن می‌توان به پشت‌بام رسید، در داخل هشتی قرار دارد. در وسط دو ضلع بزرگ شرقی و غربی هشتی، دو قوس بلند دیده می‌شود که در پشت آن‌ها دالانی قرار دارد. دالان مزبور به عرض سه متر و نود سانتیمتر در پشت اتاق‌های ضلع جنوبی کاروانسرا جای دارد و فاقد غرفه می‌باشد و تنها طاق‌نماهای هم عرض غرفه‌های نمای خارج و اتاق‌های ضلع جنوبی در دو طرف آن ساخته شده‌اند.

کاروانسرای سلطان‌آباد

در فاصله ۱۰ کیلومتری قزوین و در سمت چپ جاده قزوین - تاکستان، کاروانسرای متروکی قرار دارد که در حال حاضر بعضی قسمتهای آن پا برجا است. نقشه این کاروانسرا مستطیل است و در گوشه‌های آن چهار طاق‌نما ساخته شده و طرح

بنا را به صورت هشت ضلعی درآورده است. طول ضلع‌های شرقی و غربی بنا بیست و نه متر و نود سانتیمتر و ضلع‌های شمالی و جنوبی آن بیست و یک متر و سی سانتیمتر و چهار ضلع آن در چهار گوشه دومتر و هشتاد سانتیمتر است. این کاروانسرا دری به عرض سه متر و نیم دارد که در وسط ضلع شمالی آن کار گذاشته شده است. در هر سوی این در، دو طاق‌نمای ایوان دار ساخته شده است که در پشت هر یک اتاقی مستطیل شکل و یک انباری قرار دارد. در امتداد ضلع‌های شرقی و غربی کاروانسرا نیز، در هر طرف هفت طاق‌نمای ایوان دار ساخته شده است.

سرای وزیر

این بنا که در محوطه بازارچه وزیر - روبه‌روی قیصریه - قرار گرفته است بنایی دو طبقه است. طبقه پایین سرا حیاطی وسیع دارد. در چهار جانب آن حجره‌هایی قرار دارند که لچکی‌های طاق‌نمای آنها با آجربندی تزئین شده است. برای ورود به طبقه بالا، در هر طرف، دو راه‌پله وجود دارد. حجره‌های طبقه بالا درهای چوبی بسیار زیبایی دارند. از ویژگی‌های خاص این سرا، لچکی‌های طبقه بالای آن است که با کاشی‌های بسیار زیبایی به رنگهای سبز، زرد و لاجوردی و آبی با نقش‌های زیبایی مانند شکارگاه، خورشید، پرندگان و گل و بوته تزئین شده است.

سرای گلشن

این سرا در شمال خیابان اصلی قزوین قرار دارد و بانی آن آقامحمد ارباب قزوینی و حاجی غلامحسین می‌باشند که هر دو از تاجران نامی قزوین بوده‌اند. این سرا بنایی دو طبقه است و در دوره قاجار ساخته شده است. اکنون تعدادی از بازرگانان در این سرا به داد و ستد مشغول‌اند. طبقه فوقانی آن برای مدتی محل شعبه بانک استقراضی روس بود و بانک ملی ایران نیز مدتی آن را در اجاره داشت.

سرای شاهرودی

این سرا که در غرب رودخانه شهر قزوین قرار دارد، زمانی حیاط بیرونی خانه مرحوم حاج محمد حسین شاهرودی بود که او آن را به سرایی تبدیل کرد. آنچه باعث شهرت و اهمیت این سرا شده است، نقش این سرا به عنوان پناهگاه مشروطه‌خواهان در زمان جنبش مشروطیت است. حاج محمد حسن بادکوبه‌ای تاجرباشی روس که سمت شهرداری دولت عثمانی را بر عهده داشت، به واسطه خویشاوندی با حاج محمد حسین شاهرودی یکی از حجره‌های این سرا را محل کار خود قرار داد و این هنگامی بود که ملیون ایران علیه محمدعلی میرزای قاجار قیام کردند. در سال ۱۳۲۷ هجری قمری، گروهی از میهن‌دوستان و مشروطه‌خواهان قزوین از بیم سواران قراچه‌داغی و سربازان سیلاخوری و فرماندار وقت به شهرداری (یعنی همین سرا)

پناهنده شدند و آن را پناهگاه خود قرار دادند. اکنون بخشی از این سرا به خیابان مولوی افتاده و بقیه آن به صورت پاساژی درآمده که محل بارفروشی است.

جاذبه های طبیعی

قله آوان

این قله در خطالرأس اصلی رشته کوه البرز و در شمال رودبار با ارتفاع ۳۷۵۰ متر واقع شده و به «خشته چال» هم معروف است. خطالرأس این کوه، در جهت شمال غربی - جنوب شرقی است و قسمتی از مرز طبیعی شهرستان قزوین و تنکابن (شهرسوار) به شمار می رود. از جهت جنوب غربی به وسیله گردنه سیالان به قله سیالان و از جهت شمال غربی به دو قسمت شمالی و غربی تقسیم می شود. یال شمالی آن به وسیله قله بزاکوه، به قله سوماسوس یا سمام کوه و یال غربی آن به وسیله گردنه گرم کوه، به قله پارچ کوه متصل است. رودخانه های ازگین و سفیداب و آوان که از شاخه ها شاهرود (سفیدرود) می باشند، از ارتفاعات جنوبی و رودخانه چالک رود که پس از گذشتن از دهستان جنت رودبار و کلیجان، در بندر شیروود به دریای مازندران می ریزد، از ارتفاعات شمالی این کوه سرچشمه می گیرند. در دامنه جنوبی این کوه، دریاچه ای قرار دارد که به نام آوان مشهور است. طول و عرض این دریاچه زیبای کوهستانی ۵۰۰ متر است و در شمال دهکده آوان و در فاصله تقریبی ۷۵ کیلومتری شمال شرقی قزوین واقع شده است. آب این دریاچه از چشمه های درون آن تأمین می شود. روستای جنت رودبار از شهرستان رامسر، در شمال و روستای رودبار معلم کلاویه از شهرستان قزوین، در جنوب این دریاچه واقع شده اند.

رودخانه الموت

این رود از کوه های هفت خانی در ارتفاعات البرز سرچشمه می گیرد و پس از دریافت آب پانزده رود دیگر، به صورت یک رودخانه بزرگ و پرآب به نام الموت جریان می یابد. در جنوب صائین کلاویه، اندرود نیز به آن می پیوندد و سرانجام در روستای شیرکوه با طالقان رود یکی می شود و شاهرود را تشکیل می دهد.

رودخانه شاهرود

این رود تنها رودخانه دامنه جنوبی البرز است که آب آن به دریای مازندران می ریزد. این رودخانه از دو شاخه اصلی طالقان رود و الموت رود تشکیل می شود که در شمال غربی روستای شیرکوه به هم می پیوندند. رودخانه شاهرود همواره طغیانی است و تا اواخر بهار، آب آن با گل و لای فراوان همراه است. آبرفت این رود برای شالیزارهای پیرامون آن، اهمیت قابل توجهی

دارد. این رود با جهت شرقی - غربی، پس از طی مسافتی و گذشتن از لواسان، در تنگ منجیل به دریاچه سد سفیدرود می‌ریزد.

خر رود

این رود که از کوه‌های قزل‌داغ واقع در خرقان خمسه سرچشمه می‌گیرد، در محل آب گرم جاده قزوین - همدان به طرف شمال غربی جریان پیدا می‌کند و پس از دریافت آب رودهای آوه و کلنجین و گذشتن از دهستان‌های افشاریه، رامند و زهرا، به سوی ساوجبلاغ جریان می‌یابد. در این ناحیه، رودخانه‌های شور و کردان به آن می‌پیوندند و رود شور نام می‌گیرد. این رود، پس از رسیدن به شهریار، با دریافت آب رودخانه کرج و رودهای دیگر، با نام رود شور به طرف شوره‌زارها و دریاچه حوض سلطان می‌رود.

چشمه یله گنبد

این چشمه در روستای یله گنبد قاقازان، در شمال غربی قزوین قرار دارد. این چشمه در کف دره ای از زمین می‌جوشد. شمال دره از سنگ‌های آذرین و جنوب آن از سنگ‌های آهکی تشکیل شده است. چشمه دارای چند مظهر در چند نقطه نزدیک به هم است و آب آن در حوضچه‌هایی جهت استحمام جمع‌آوری می‌شود. آب چشمه معدنی یله گنبد از گروه آب‌های معدنی بیکربناته کلسیک آهن و گازدار بسیار گرم است. استحمام در این آب، به سبب وجود گاز کربنیک و گرما، تسکین‌دهنده و ضد درد است. از این آب در درمان بیماری‌های عصبی - مفصلی، رماتیسم و بیماری‌های عصبی استفاده می‌شود. آشامیدن آن نیز در کار دستگاه گوارش، کبد و مجراهای صفراوی و درمان بیماری‌های معده‌ای و روده‌ای اثر مثبت دارد.

چشمه‌های آب معدنی آب ترش و لرزان

در فاصله ۴۵ کیلومتری جاده قزوین - رشت، دو چشمه به نام‌های آب‌ترش و آب لرزان وجود دارد که به فاصله چند صد متری از یکدیگر قرار گرفته‌اند. اطراف چشمه‌ها را رسوب‌های آبرفتی به همراه لیمونیت و هماتیت پوشانده‌اند. بلورهای گچ و توده‌های سنگ گچ نیز در پیرامون چشمه وجود دارد. آزمایش میکروبی بر روی آب این چشمه‌ها، گونه‌ای آلودگی با منشأ غیرمدفوعی را نشان داده است. آب هر دو چشمه از گروه آب‌های سولفات کلسیک سرد و گازدار و آهن‌دار است.

گازرخان

گازرخان از روستاهای معروف ناحیه الموت قزوین به شمار می‌رود. در گازرخان بیش از هر چیز چهار چنار کهن سال در میان میدان ده جلب توجه می‌نماید. میدان وسط روستا که محل قبرستان قدیمی آن است، به نام «قتلگاه» خوانده می‌شود. از این

درخت‌های چنار، سه تا دارای ارتفاع قابل ملاحظه‌اند. پیرامون تنه یکی از آنها ۷,۵ متر و دیگری ۷,۶ متر و سومی شش متر است. با توجه به اندازه پیرامون تنه درخت‌های مزبور می‌توان گفت که سن آنها باید در حدود هزار سال باشد و به احتمال زیاد در زمان نفوذ و قدرت اسماعیلیه در این ناحیه کاشته شده‌اند. در سمت جنوب میدان و قبرستان، بنایی مرکب از یک مسجد و یک مقبره که متصل به یکدیگرند، قرار دارد. مجموع بنای مزبور نقشه‌ای مستطیل دارد و از سنگ سیاه و ملاط گچ ساخته شده است. کتیبه‌ای حاوی تاریخ تعمیر بنا بر دیواره مقبره قرار داده شده است. در کنار کتیبه مزبور، دری قرار دارد که به اتاق مقبره باز می‌شود. در اتاق مقبره هجده قبر که پوششی از گچ دارند، در کنار هم قرار گرفته‌اند. در دو طرف نمای خارجی دیوار این بنا، آثاری از باقی‌مانده دو برج مدور دیده می‌شود که نشانگر وضع این بنا در گذشته است که ملحقاتی داشته، ولی از بین رفته است. بعضی از این قبرها، شاید آرامگاه برخی از سران و بزرگان اسماعیلیه باشند. تاریخ ساخت این بنا را قرن هفتم هجری می‌دانند که در سال ۸۵۲ هجری قمری، بر حسب کتیبه‌ای که هنوز به جاست، بار دیگر تعمیر شده است.

هرزوئیل

پس از گذشتن از کنار پل لوشان و نرسیده به دریاچه سد سفید رود، در جانب راست جاده، منظره جالب و چشم‌گیری نظر هر مسافری را به خود جلب می‌کند. این چشم‌انداز زیبا دامنه سرسبز دره‌ای است که روستای بسیار قدیمی «هرزوئیل» را دربر گرفته است. چشم‌انداز این منطقه، به خصوص ساعتی پس از بارندگی و بیرون آمدن خورشید از زیر ابرها، بسیار دیدنی و دلپذیر است. «هرزوئیل» روستایی است با خانه‌هایی از سنگ لاشه، کاهگل و چوب که در کنار یکدیگر بنا شده‌اند. در فاصله بین هر ردیف از خانه‌ها، کوچه باریکی قرار دارد. در جلوی تعدادی از خانه‌ها، ایوانی قرار دارد که سقف آن بر روی تیرهای چوبی استوار شده است. بر روی هم، نمای کلی هرزوئیل با خانه‌هایی که اغلب طبقه به طبقه ساخته شده‌اند و بام یکی، محوطه جلوی خانه دیگری را تشکیل می‌دهد، از جمله نماهای جالب یک روستای شمالی ایران به شمار می‌رود.

مسجد جامع کبیر

مسجد جامع کبیر که در محله دباغان و در کناره غربی خیابان شهدا واقع شده است، از مهمترین مسجدهای قزوین است. این مسجد نه تنها در قزوین، بلکه در سراسر ایران منحصر به فرد و بی‌مانند است. گنبد و مناره‌های باشکوه، ایوان‌های بلند، گچبری نفیس و ساختمان باشکوه آن نماینده و نشانگر بهترین سبک معماری دوره‌های سلجوقی و صفوی است. از گذشته مسجد آنچه دانسته است، این است که این مسجد در قرن هفتم هجری دره‌ای متعددی داشته است. پس از حمله مغول تا دوران صفویه، از چگونگی وضعیت مسجد و دره‌های آن اطلاعی در دست نیست. هم‌اکنون این مسجد دو در دارد: یکی در

شرق و دیگری در شمال غرب. حیاط مسجد به شکل مربع مستطیل است و طول آن شرقی غربی است. مساحت آن بیش از چهار هزار متر مربع است. در چهار جهت آن چهار ایوان بلند قرار دارد که ایوان جنوبی آن بلندتر از ایوان‌های دیگر است. در دو سوی ایوان شمالی، دو مناره زیبا سر به آسمان کشیده است. در دو سوی هر ایوان، دو رواق طولانی ساخته شده است که هر رواق به نام امام جماعت یا پیشنمازی که سالها در آنجا نماز گزارده، معروف شده است. رواق‌های شرقی از همه باریک‌تر و رواق‌های جنوبی از رواق‌های دیگر پهن‌تر و بزرگ‌ترند. همه اجزای ساختمان مسجد، از کف حیاط و دیوارها و پشت‌بام‌ها، با آجر ساخته شده‌اند. در وسط حیاط مسجد، حوض بزرگی قرار دارد.

مسجد حیدریه

این مسجد در گذر بلاغی و جزء محله پنبه‌ریسه است. راجع به تاریخ بنیاد این مسجد، اطلاع درستی در دست نیست، ولی بی‌شک این همان مسجدی است که حمدالله مستوفی و امام رافعی آن را به نام جامع اصحاب ابوحنیفه معرفی کرده‌اند. گچ‌بری‌های مسجد نیز می‌توانند نشانگر تاریخ بنیاد این مسجد باشند، زیرا گچ‌بری‌های نفیس این مسجد نیز مانند گچ‌بری‌های مسجد جامع کبیر است و بعید نیست که گچ‌بری‌های هر دو مسجد کار یک هنرمند باشد. این مسجد در زمان صفویه هم دایر و آباد بوده ولی به تدریج خراب شده است. در دوره قاجاریه با افزودن ایوانی در مقابل شبستان و حجره‌هایی در اطراف آن، تا اندازه‌ای رونق گذشته خود را بازیافته است و عده‌ای طلاب در آن سرگرم تحصیل بوده‌اند. از این مسجد تنها شبستان آن باقی مانده است. گچ‌بری‌های این مسجد با زیبایی و فریبندگی خاص خود، مهارت و استادی و هنرمندی استادان آن زمان را نشان می‌دهند. این بنا به تمامی از آجرهای تراش خورده ساخته شده است و درز آجرهای آن به شکل زیبایی با گچ بندکشی شده است. میان گچ‌بری‌ها و آجرکاری‌های این مسجد تناسب و هماهنگی وجود دارد.

مسجد النبی

این مسجد از حیث وسعت و عظمت بنا و شیوه ساختمان و استحکام پی‌ها و حسن سلیقه‌ای که در ساخت آن به کار گرفته شده است یکی از مهمترین مسجدهای قزوین به شمار می‌رود. آغاز بنای این مسجد را به دوره صفویه نسبت می‌دهند. اما چنین به نظر می‌رسد که پس از انقراض صفویه، در اثر عدم توجه، به صورت ویرانه‌ای درآمده و در دوره قاجاریه از نو بازسازی شده است. حیاط مدرسه به شکل مستطیل و طول آن از شمال به جنوب است. هر یک از جهات چهارگانه مسجد، ایوانی بلند در وسط دارد و دو گوشواره و سپس دو شبستان یا رواق در دو سوی آن بنا شده است. در دو بخش شرقی و غربی بنا، شبستان‌ها باریک‌تر، و در بخش‌های شمالی و جنوبی، پهن‌تر و بزرگ‌ترند. رواق‌ها یا شبستان‌های شمالی و جنوبی هر یک دارای چهار طاق نما و رواق‌های شرقی و غربی دارای نه طاق نمای‌اند. هر یک از طاق‌نماها دارای ارسی سه چشمه‌ای بوده

است که امروزه بیشتر آنها فرسوده شده‌اند و به جای آنها، در چوبی کار گذاشته‌اند. در وسط حیاط مسجد یک حوض بسیار بزرگ سنگی به شکل مربع مستطیل ساخته شده است که برای وضو گرفتن از آن استفاده می‌شود.

موقعیت جغرافیایی استان قزوین

این استان دارای دو ناحیه کوهستانی و دشتی می باشد. منطقه کوهستانی آن در شمال استان قرار دارد و دهستانهای الموت، رودبار و قسمتی از کوهپایه اقبال پشگلدره را در بر می گیرد. در همین ناحیه، بخشی از رشته کوه البرز از بخش شمال غربی و از استان گیلان به طرف جنوب غربی در داخل استان قزوین کشیده شده است. سیلان و الموت دو قله از قله های معروف کوهستان های بخش غربی البرز می باشند. دره های البرز در دامنه های خشک جنوبی، به ویژه در ناحیه قزوین باریک و کم عرض هستند. و با دیواره های پر شیب کشیده شده اند. آبادترین و پر جمعیت ترین دره های آن، دره شاهرود و دره های دو شاخه معروف آن، رود طالقان و رود الموت است. که آبهای دامنه های البرز جنوبی را به سفید رود می رسانند. دره و رودخانه شاهرود کوههای میان دره چالوس و سفید رود را از شرق به غرب شکافته و آن را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کرده اند. کوه های طالقان، سیلان و الموت دو قله از قله های معروف کوهستان های بخش غربی البرز می باشند. دره های البرز در دامنه های خشک جنوبی، به ویژه در ناحیه قزوین، باریک و کم عرض هستند و با دیواره های پر شیب کشیده شده اند. آباد ترین و پر جمعیت ترین دره های آن دره شاهرود و دره های دو شاخه معروف آن، رود طالقان و رود الموت اند که آب دامنه های البرز جنوبی را به سفید رود می رسانند. دره و رودخانه شاهرود کوه های میان دره چالوس و سفید رود را از شرق به غرب شکافته و آن را به قسمتهای شمالی و جنوبی تقسیم نموده اند. این استان دارای سه شهرستان به نامهای قزوین، تاکستان و بوئین زهرا و ۱۰ بخش و ۱۲ شهر و ۳۷ دهستان و ۹۳۶ آبادی دارای سکنه می باشد.

صنایع دستی

هنرمندان قزوین که وارث هنر دوره صفوی بودند در رشته های هنری به فعالیت پرداختند، در هنر منبت و مشبک، مقرنس کاریهای منظم و گچ بریهای در هم پیچیده بسیار زیبا، قلمدان سازی، نقاشی پشت شیشه و نقش های تزئینی آثاربیشماری به گونه بسیار زیبا و دلغریب پدید آوردند تا بدانجاکه قزوین بعد از شیراز و اصفهان از مراکز هنری مهم به شمار می آمد. سبک نگارگری قزوین سرشار از ویژگیهایی بود که در آن زمان بی مانند بود و در خطاطی و خوشنویسی بار دیگر به منتهای کمال رسید ولی در دوران قاجار بر اثر هرج و مرج موجود در کشور، قزوین رونق هنری خود را از دست داد.

صنایع دستی قزوین عبارتند از: نگارگری، قلمدان سازی، سوزن دوزی، حکاکی، قلم زنی و فرش بافی (بافت انواع قالی و گلیم) و جاجیم بافی.

فرش بافی:

از دیر باز بافتن گلیم جاجیم، قالی و قالیچه در قزوین و در میان ایلات و عشایر این منطقه رواج داشته است. از میان فرش های قزوین، فرشهای متعلق به کارگاههای بزرگ قالی بافی از "اعتماد" و "سلامت" دارای شهرت جهانی هستند. امروزه فرش بافی بیشتر در شهرک ها و روستاهای تابعه قزوین رواج دارد. گلیم های منطقه الموت در قزوین هم از اعتبار بسیار خوبی برخوردار است و به واسطه طرحها و نقوش زیبا و رنگبندیهای جالب از گلیم های دیگر مناطق مشخص می شوند. جاجیم بافی هم در بسیاری از روستاهای قزوین رواج دارد.

منبت و مشبک:

در روزگاری که پنجره و اُرسی در کارهای چوبی و معماری سنتی ایران بویژه در شیوه معماری قزوین از اهم وسایل اصولی و عناصر تزئینی هر بنا و ساختمان بخصوص ساختمان های قزوین به شمار می آمد، درهایی منقش به منبت و مشبک ساخته می شد و تقریباً تمام وسایل چوبی یک ساختمان نیز پوششی از نقاشی داشت. بهترین نمونه آثار منبت در قزوین، ضریح و درهای ورودی صحن شاهزاده حسین (علیه السلام) فرزند امام هشتم(ع) است که در دوران پادشاهی شاه طهماسب صفوی به سال ۹۶۷.ق. به دست علاءالدین محمدنجار" از چوب گردو و گلابی ساخته شده است.

نگارگری مکتب قزوین:

مکتب نگارگری قزوین جدا از مکتب هرات، تبریز و دیگر مکاتب دارای ویژگیهایی است که آن را از سبک های دیگر متمایز می سازد. برای نگارگران علاوه بر تصویر حیوانات، پرندگان، گلها و درختان آنچه بیش از همه جالب توجه می نمود اندام ظریف جوانان، درویشان و کشاورزان است که در تابلوهای آنان، چهره ها غالباً به گونه ای سه رخ تصویر شده و چهره های تمام رخ ابداً در کار نقاشان سبک قزوین دیده نمی شود و هیچ انسانی از پشت سر نیز تصویر نشده است. سوژه های بیشتر از میان افراد عادی برگزیده شده و لباسهای فاخر در نگارگری ها دیده نمی شود و جامه زنان و مردان چندان تفاوتی در نگاره ها ندارد. از نگارگران معروف قزوین استاد محمد قزوینی، صادق بیگ افشار، مولانا میرمصور، مولانا شیخ محمد، کاوس نقاش، عبدالحمید نقاش و رضی طالقانی ملقب به ضیع همایون را می توان نام برد. در حال حاضر نیز نگارگری در قزوین تا حدودی مرسوم و متداول است.

نقاشی پشت شیشه:

نقاشی پشت شیشه در قزوین در دوران قاجاریه با مایه گرفتن از هنر روزگار صفویه درخشید، تا جائیکه این شهر یکی از مراکز تولید نقاشی پشت شیشه شد.

روش کار در نقاشی پشت شیشه با نقاشی معمولی متفاوت است. در نقاشی معمولی، هنرمند زمانی که روی کاغذ یا بوم، نقاشی را انجام می دهد به کار مسلط است و در پایان کار به سادگی به قلم گیری می پردازد، در حالیکه در نقاشی پشت شیشه روش دگرگونه است، یعنی این که قسمت های حساس که در پایان کار باید تمام شود، در آغاز کار بایستی انجام شود، مثلاً اگر خالی بر روی گونه زنی وجود دارد باید آن خال قبل از رنگ کردن صورت در جای خود بنشیند و سپس کل صورت رنگ آمیزی شود. از جمله نقاشان پشت شیشه می توان شیخ عبدالمجید شیشه نگار را نام برد، متأسفانه این هنر در حال حاضر از رونق در خور توجه ای برخوردار نیست و معدود هنرمندانی به این هنر می پردازند.

هنر خطاطی:

هنر خطاطی در قزوین دارای اهمیت و مورد توجه اهالی هنر دوست قزوین بوده است. از خطاطان معروف قزوین میر عماد قزوینی، میر ابراهیم حسنی قزوینی، میر نور الهدی، شرف جهان قزوینی و غلام حسین امیر خانی را می توان نام برد. از استادکاران استان قزوین آقای عباس قانع استادکار قلمزنی و برجسته کاری، خانم نسرین لشکری معرق چوب، آقای محمدی سفال کار، آقای فرزین جنتی فر و آقای بردیا کاظمی منبت کار، خانم اشرف فرداد قالی بافی، آقای محمود کریمی وند تذهیب و نگارگری، خانم شیرین کاکاوند سوزندوزی، خانم فائزه جواهری طراحی فرش در دوران معاصر را میتوان نام برد.

قزوین، شهری با تاریخ گمشده

قزوینی ها از قدیم برای آب حرمت ویژه ای قایل بودند. آنان از نسل نخستین مردمانی هستند که آب را در آب انبارها خنک نگه می داشتند.

عمارت چهلستون قزوین

قزوین شهری غریب است. مردان عجیبی نیز از آن برآمده اند، مانند دهخدا، عارف قزوینی، حمد الله مستوفی، شهید رجایی، شهید باهنر و... میان آدم های شهر قزوین که می روی، نژادهای مختلف می بینی و گویش های متنوع می شنوی. آنان سال هاست ساکن این شهرند و اغلب، غفلت می ورزند. آنها از ۹ هزار سال تاریخ تمدن هیچ استفاده ای نمی کنند. حتی برخی شهروندان مهاجر امروزی از این تاریخ بلند بالا و مایه مباهات چیز زیادی نشنیده اند. برخی قدیمی ها که ادعای اصالت قزوین را به دوش می کشند، گویش فارسی دارند با لهجه شیرین و جذاب ویژه «بیم جان». می توانند میزبان خوبی باشند برای گردشگران داخلی و خارجی با تاریخ و اسنادی که در دست دارند.

در خیابان ها دیگر توانشان تحلیل رفته. ساختمان های تاریخی را می گویم. اگر چه هنوز کنار یکدیگر ایستاده اند، قرص و محکم. اما این تنها ظاهر ماجراست. وقتی خشت های این شهر را روی هم سوار کردند و دیواره هایش قد کشید، هنوز چیزی

به نام تمدن رونق نیافته بود. زندگی جمعی و شهری هنوز بازاری نداشت. شهرهایی که در آن روزگار محلی امن برای مردمانش به حساب می‌آمد، به تعداد انگشتان دست یک نفر نمی‌رسید.

حداقل در آن دور و برها تا فرسنگ‌ها و کیلومترها راه‌های طولانی، شهری منسجم مانند قزوین به وجود نیامده بود.

محلی برای کوچ

مردمانی در دامنه البرز مرکزی ساکن شدند و در دشت حاصلخیز قزوین زراعت پیشه کردند، هر چه در دل خاک مرغوب این نواحی می‌کاشتند، محصولی در خور توجه درو می‌کردند. آنان خیلی زود به فن ارتباطات و جاده‌ها آشنا شدند. توانستند جاده‌های کوهستانی صعب‌العبور و حتی بیابانی را از زیر سم اسب‌هایشان در کنند و به سوی همسایگان‌شان دست دوستی دراز و تبادلات تجاری را شکل دهند.

قزوین همسایه‌ای است با ۶ استان که هر کدام با دیگری تفاوت‌هایی دارد. در اقلیم، چرخاندن گردونه اقتصادی زندگی و حتی در زبان و تکلم، این گوناگونی به چشم می‌آید. زنجان، همدان، سمنان، مرکزی، تهران، مازندران و گیلان دیوار به دیوار قزوین داخل نقشه جا خوش کرده‌اند. برای همین چهره شهر را در نگاه نخست مناسب مهاجرت می‌بینیم. جایی که مردم استان‌های همسایه برای کوچ آن را برگزیده‌اند تا گویش‌های مختلف را در جای‌جای آن بشنویم؛ آذری، تاتی، فارسی، گیلک و ...

دشت‌های حاصلخیز، باغ‌های پرمیوه و کارخانه‌های صنعتی در کنار هم، دست به دست داده تا مهاجران زیادی برای پیش بردن زندگی در شرایط بهتر، قزوین را انتخاب کنند.

شهر ابنیه‌ها

حکومت صفویان تازه شکل گرفته بود. آنها پس از بیرون راندن ترکان سلجوقی و غزنوی و آرام کردن اوضاع و احوال مرزها و شهرها، ترجیح دادند پایتخت را از اردبیل به قزوین منتقل کنند. شاید موقعیت استراتژیک این شهر یکی از این عوامل بود. آن روزها این شهر کنار هگمتانه (همدان امروزی)، خودنمایی می‌کرد. به هر حال شاه اسماعیل صفوی تاج و تختش را به قزوین انتقال داد. فرزند او، شاه طهماسب در شهر تاریخی قزوین تاج شاهی به سر گذاشت. شاه طهماسب که وضعیت ایران را در صلح و مسامحه دید، با تلاش مثال‌زدنی، ساختن بناهای مختلف را آغاز کرد. بازار، مساجد، مدارس و بافت قدیمی شهر که امروز مرکز شهر نامیده می‌شود، در عهد و دوره شاه طهماسب پا گرفت. در آن روزگار به هنر معماری اهمیت ویژه‌ای می‌دادند.

هنوز هم معماری سبک صفوی یکی از شاخص‌ترین دوره‌های معماری پس از اسلام به حساب می‌آید.

اگر بناهای دوره صفویه و قاجاریه قزوین را که هنوز پابرجاست، تخریب نمی‌کردند و به کارگاه‌های صنعتی جور واجور، تغییر کاربری نمی‌دادند، این شهر امروز می‌توانست سالانه چندین برابر درآمد سرانه فعلی جذب توریست‌هایی که برای دیدن بناهای تاریخی می‌آیند، درآمد داشته باشد.

قزوینی‌ها به راحتی می‌توانند علاوه بر قطب صنعتی در بخش گردشگری درآمدزایی داشته باشند. شاید خریداری، مرمت و حفاظت از ابنیه تاریخی، تنها هزینه برای رسیدن به این ایده‌آل قلمداد شود.

قزوین؛ شهر آب‌انبارها و گرمابه‌ها

قزوین مشهور است به آب‌انبارهایش؛ مانند یزد و بادگیرهای بام‌هایش. قزوینی‌ها از قدیم برای آب حرمت ویژه‌ای قایل بودند. آنان از نسل نخستین مردمانی هستند که آب را در آب‌انبارها خنک نگه می‌داشتند. برای تابستان آن قدر آب در سرداب بود که ول کنند روی تن و بدنشان. دشت قزوین آفتاب تندی دارد. در این شهر هشت آب‌انبار از دوره قاجار به جا مانده که وقتی سراغشان را می‌گیریم، مدیر روابط عمومی سازمان ایرانگردی قزوین می‌گوید: «چهار سرداب در حال حاضر قابل رویت است، آن هم نه برای مردم و گردشگران. آنها می‌توانند دو آب‌انبار را ببینند، آن هم در روزها و ساعات خاص. این آب‌انبارها عمری کمتر از سه قرن را پشت سر گذاشته رو به ویرانی می‌روند. دیوارهایشان شکسته و آوار شده داخل حوض وسط، پله‌های ساب رفته‌شان تنبیده و گردشگران تنها می‌توانند نامشان را بخوانند و بشنوند. هنوز اما، می‌توان مجموعه‌ای از رسوم فولکلور (محلی) مردم قزوین را مشاهده کرد. در عهد سلطنت قاجارها، هفت گرمابه در قزوین تعبیه شد.

با توجه به حجم جمعیت و میزان استفاده مردم از حمام دو فرضیه وجود دارد؛ جمعیت قزوین زیاد بوده یا قزوینی‌ها اصرار به نظافت و گرمابه داشتند. یکی از رسوم مردم این شهر که اینک نیز پابرجاست، حمام حنابندان است. در این شب خانواده داماد گرمابه را قرق می‌کنند. با دار و دسته موزیک، داماد را به حمام می‌آورند تا ساعتی که داماد مشت و مال می‌شود و استحمام می‌کند - معمولاً این مراسم چند ساعت طول می‌کشد - جوانان به شادی و پایکوبی در حمام مشغولند.

معمولاً در شهرهایی که مورد تردد مسافران زیادی بود، کاروانسرا علاوه بر حل مشکل اسکان سودآوری خوبی داشت، مجموعه بازار و کاروانسراهای قزوین که شاید به حدود ۱۰ مورد برسد، روز به روز، درآمد کسبه‌اش بیشتر دچار اخلاص می‌شود. بخشی از بازار را مرمت کرده‌اند. بناهای کم‌توان ولی پابرجای به جا مانده از دوره صفویه و قاجاریه روبه زوال می‌رود. هر روز تکه‌ای از خست‌هایش آوار می‌شود و می‌ریزد. کاشی‌کاری‌های هنرمندان آن دوره بی‌تفاوت می‌شکند و زمین می‌ریزد و دل هیچ کس برای از دست رفتن این تاریخ نمی‌سوزد.

میدان بزرگ و پرازدحام سبزه میدان را به سوی بازار ترک می‌کنیم. ۳۰۰ قدمی که برمی‌داریم، دو لنگه در قلعه مانند، توی دل پیاده‌رو سمت چپ خیابان فرو رفته است. دو لنگه چوبی که وزن هر کدام از نیم تن بالا می‌زند. ورقه فلزی محکمی رویش پرچ کرده‌اند. جداره بیرونی‌اش مانند جوشن، پر از خال‌های برجسته برای مقاومت بیشتر است. درها سنگین، خودشان را روی سیمان کف ول کرده. روبه‌روی چشم، گرمابه سعدی به قد ۷۳ سال قدمت علم کرده. در آن روزگار، هنوز این مجموعه رونق داشته، قزوین تازه پایتخت شده بود. شاه طهماسب، فارغ از عثمانی‌ها به گسترش شهر و فرهنگ شهرنشینی همت گماشت. این بنا از آن روزگار خاطره‌های زیادی دارد.

دالانی با سقف بلند را با چند گام طی می‌کنیم و لختی در حیاط می‌ایستیم، حجره‌ها دور را دور حیاط هر کدام با ایوانی کم‌عمق، خودشان را جلوی چشم می‌اندازند. همه درهای اتاق‌های بزرگ این مهمانپذیر به رنگ آبی است با کمان سردرش که با خشت سرپایش کرده‌اند. بنا را با خشت پخته ساخته‌اند. از لای آجرها، گل و سبزه بیرون زده است. از حجره‌ای صدای تق و توق ریسندگی می‌آید. کارگاه جوراب‌بافی مشغول کار است. دو دهنه بالاتر چراغ‌سازی راه انداخته‌اند - یادمان رفت اینجا، کجا بوده؟! - کارگاه‌های کوچک صنعتی تولیدی که در این بنای چند صد ساله کسب و کاری دست و پا کرده‌اند، از پرداخت اجاره‌بهای سنگین - به قول خودشان - و مالیات معاف هستند کسبه اینجا را قلعه می‌نامند. حیاط‌های تو در تو که هم راسته خیابان تا بازار فرش فروش‌ها ادامه دارد، همه در همان فرم ساخته شده و از برخی حجره‌های کوچک‌تر و عریض‌تر مشهود است که در این کاروانسرا، تجارت و دکان نیز حضور داشته. امروز هم هست. هنوز آدم‌ها در این قلعه می‌روند و می‌آیند. آنها ریختن تدریجی تاریخ را می‌بینند.

پیشگام‌تر از نصف جهان

حاشیه جنوبی میدان آزادی قزوین، کاخ موزه چهلستون اصفهان را در گردونه حافظه می‌اندازد و پیش چشم به تصویر می‌کشد. این موزه الگوی نمای هشت بهشت اصفهان است. شاه طهماسب صفوی دستور ساختنش را صادر کرد و فرزندش شاه عباس در اصفهان بزرگ‌تر از آن را ساخت. موزه در دست مرمت است. کتیبه‌ای از سنگ روی سینه دیوار پشت عمارت ایستاده، نقشی از شاهنامه، یادآور تصویر نبرد رستم و اژدها از استاد محمود فرشچیان، یک سالی می‌شود اینجا، جا خوش کرده است از پشت ساختمان، در ورودی موزه، فرو رفته در کف حیاط پیداست، پله‌های باریک با شیب تند، تا بالای عمارت نه چندان بلند، عالی‌قاپوی عهد صفوی که رو به خیابان شهدای قزوین ایستاده. قاجارها نیز بناهایی با خشت روی هم گذاشتن سرپا کردند. دروازه تهران قدیم و دروازه درب کوشک (سردر کوچه‌ای به نام «در بلوشک» که حالا کوچه‌ای نیست)

از آن دوره به جا مانده. مصلی و دو حسینیه در خیابان‌های مولوی و بوعلی را قجرها بنا گذاردند. چند خانه قدیمی بزرگ با باغچه‌هایی در همان مقیاس در قزوین ساخته شده که اغلب آنها در هیبت ویرانه به چشم می‌آید.

دانشگاه‌های آن روزگار

معماری ایرانی یکی از افتخارات ایرانیان برای جذب گردشگر است. در قدیم‌الایام هر دوره‌ای معماری ویژه خودش را داشت. حالا هم که زمان گذشته و تقویم بارها ورق خورده می‌توانیم ابعاد هنری معماری اعصار مختلف را به نظاره بایستیم و تحسینشان کنیم. در معماری پس از اسلام، شاهان صفوی نشان داده‌اند، علاقه زیادی به معماری و رنگ داشته‌اند. در روزگاری که دانشجویها را طلبه می‌نامیدند و دانشگاه، مسجد بود، صفویان خشت سه مسجد را در قزوین بالا بردند.

تاریخ گمشده

روی خشت‌ها، کاشی چسباندند. امروز اگر در قزوین راه بروید و این بناها را از جلوی چشم رد کنید، در خواهید یافت، اصفهان نمونه الگوبرداری شده از ایده‌های معماری قزوین است.

قاجارها نیز حرکت صفویان را در ساختن بنا ادامه دادند. طی سلطنت ۱۳۵ ساله‌شان سه مدرسه و یک مسجد بنا کردند. این مدارس و مساجد در شهر قزوین هنوز پابرجایند.

قزوین همیشه گذرگاهی بوده برای عبور. از همان روزهایی که تمدنی باستانی داشت و محل تاخت مادها کنار پایتختشان بود. هر بار لشگریانی از مدافعان داخلی یا مهاجمان خارجی خیابان‌های قزوین را از زیر سم اسب‌هایشان درمی‌کردند، بی‌تردید، مردم متحمل خساراتی می‌شدند.

مردمان قزوین اهل مقابله هستند و ایستادگی. شاید به همین دلیل ۶ قلعه در کوه‌های این استان متعلق به پیش از اسلام است و ۱۴۰ قلعه را نیز سلجوقیان برای دفاع از تیرهای دشمن مامن خود قرار دادند. تنها «میمون قلعه» مربوط به قرن دوم هجری است که در خیابان سلامگاه قزوین ایستگاه است.

حضور این قلعه در شهر سندی است بر دیرینگی شهر بودن قزوین.

چهار پیامبر در شهر

جدای از تاریخ تمدن، قزوین شهری است با تاریخ مذهبی ویژه. آرامگاه چهار پیامبر در خیابان پیغمبریه قزوین واقع شده. صفویان که تازه به پایتخت جدید آمده بودند؛ تصمیم گرفتند آرامگاهی در خور برای چهار نبی(ع) بسازند. سپس قبرها بر این امر صحنه گذاشته و آثاری از بنا و کاشیکاری دوره خودشان را کنارش، یادگاری ساختند.

قزوین همیشه منطقه‌ای خوش آب و هوا بوده و مانند پلی ارتباطی شهرهای زیادی را به هم می‌رساند. شاید برای همین در این استان، ۱۹ مقبره متبرکه امامزاده وجود دارد. حدود ۷ امامزاده در شهر قزوین متوفی شده‌اند. بناهایی که بر مزار این قبور بالا رفته، مربوط به دوره قاجاریه است. هلالی بالای در و پنجره و کاشیکاری قجری، گوش‌ها را برای شنیدن صدای سم اسبان و درشکه آماده می‌کند.

امامزاده‌های مسیر قزوین _ زنجان و قزوین _ رشت را مدت بیشتری است که محلی‌ها زیارتشان می‌کنند. مقبره‌های آنان در دوره سلجوقی ساخته شد.

بنای امامزاده اباذر که فاصله‌ای کمتر از ۱۵ کیلومتر با مرکز شهر قزوین دارد، به جا مانده از دوره ایلخانان مغول است.

جاذبه‌های طبیعی

کوه‌های استوار و بلند البرز مرکزی از یک سو و بیابان‌های گرم و تفتان سمنان از سوی دیگر، طبیعتی از چند اقلیم را به رخ آدم می‌کشد. البته بیشتر تفرجگاه‌ها و مناطق ویژه گردش در نقاط کوهستانی و جنگل شکل گرفته است.

جاذبه‌های اکوتوریستی (گردشگری طبیعت) این استان چیزی حدود ۳۵ نقطه متفاوت است. شما می‌توانید در جهت شمال

شرقی شهر قزوین، جاده بهرام‌آباد را پیش گیرید. از بوستان معروف باراجین بالاتر روید تا در ۲۵ کیلومتری قزوین «آبگیر

دریابک» را در روستای «زرشک» به تماشا بایستید. روستای کوهستانی لمیده بر دامنه‌های البرز، با درخت‌های پهن برگ، به

ویژه گردو. تابستان امسال می‌توانید با چرخی در قزوین آنقدر گردوی تازه بشکنید و میل کنید تا دستانتان رنگی و چهره‌تان

پر جوش شود.

تفریحگاهی که همین مسافت را در جاده رشت پیش رویتان می‌گذارد، «آبگرم معدنی یله گنبد» است. در مسیرهای طولانی

۱۲۵ کیلومتری شهر قزوین در جاده تارم می‌شود به منطقه سرسبز «دربند کلج» رسید.

پس از آن می‌توانید رطوبت شالیزارهای زیبای استان گیلان را حس کنید. آبشار «پیچ بن» نیز با همین طول جغرافیایی، از

سینه کوه‌های البرز پایین می‌ریزد. پس از استراحت و لمیدن در طبیعت سبز، زیر سایه بلوط و افرا، الموت پیش روی

شماست.